



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب اللقطة

درس ۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

مقدمه

در درس گذشته، استدلال بر احکام لقطه را بدینجا رساندیم که به استناد دو روایت مرسله، یا اجماع، می‌توان عدم وجوب تعریف در لقطه کمتر از درهم را ثابت کرد. اما اگر هیچ کدام از این دو دلیل را نپذیریم به ناچار در مورد لقطه کمتر از درهم نیز باید وجوب تعریف را قائل بشویم. در ادامه مبحث گذشته، در این درس، به بررسی این حکم خواهیم پرداخت که بنابر عدم وجوب تعریف در لقطه کمتر از درهم، آیا یابنده می‌تواند چنین لقطه‌ای را تملک کند یا باید آن را صدقه دهد؟

سپس به استدلال بر حکم لقطه حرم و عدم جواز تملک آن بعد از یک سال تعریف، و نیز حکم لقطه حرم در صورتی که کمتر از درهم باشد و چند حکم دیگر خواهیم پرداخت.

متن درس

ثم انه بناء على عدم وجوب التعريف هل يكون الحكم هو وجوب التصديق او جواز التملك؟ المعروف بين الاصحاب جواز قصد التملك، و لكننا اذا لاحظنا الرواية الثانية نراها ساكتة عن ذلك، و لو لاحظنا الرواية الاولى رأيناها تدل على تحقق الملك القهرى بمجرد الاخذ من دون حاجة الى قصده على خلاف ما عليه المشهور بين الاصحاب من الحاجة الى ذلك.

٥. و اما ان لقطه الحرم المكي تعرف سنة ثم يتصدق بها و لايجوز تملكها فهو المشهور بين الاصحاب بل ادعى فى الجواهر عدم وجدان الخلاف فيه.^١ و تدل عليه صحيحة ابراهيم بن عمر التقدمة فى الرقم ٢، فانها تدل على عدم جواز التملك لقاعدة «التفصيل قاطع للشركة».

و هل وجوب التعريف و التصديق يعم اللقطة التى لا تبلغ الدرهم أيضا؟ المعروف بين الاصحاب عدم ذلك، فاللقطة الاقل من ذلك لا يلزم تعريفها و التصديق بها حتى اذا كانت فى الحرم.

و لعل الوجه فى ذلك ان صحيحة ابراهيم بن عمر لا اطلاق لها للقطه الاقل من الدرهم حيث انها تتحدث عن اللقطة التى يجب تعريفها سنة سواء كانت فى الحرم أم فى غيره، و ليست هى الا ما كانت درهما فما زاد، و معه تعود مرسله محمد بن ابي حمزة - الشاملة باطلاقها للقطه الحرم - بلا معارض فيتمسك باطلاقها.

٦. و اما ان التصديق لابد ان يكون عن صاحبها فهو المعروف فى كلمات الاصحاب الا ان الروايات خالية منه . و لعل ذلك للانصراف اليه و الا فالمناسب كفاية التصديق المطلق لولا كونه اولى من جهة موافقته للاحتياط.

٧. و اما ان المناسب فى اللقطة التى لا يمكن تعريفها هو التصديق بها لاغير فباعتبار ان جواز تملك مال الغير و التصرف فيه من دون احراز رضاه امر على خلاف قاعدة «لا يحل دم امرئ مسلم و لا ماله الا بطيبة نفس منه»^٢ و لابد من الاقتصار على المورد الذى دل الدليل فيه على جوازه، و هو بعد التعريف سنة، و فى غير ذلك يلزم تطبيق حكم مجهول المالك - بعد تعذر تطبيق حكم اللقطة التى مصداق من مصاديق مجهول المالك - و هو التصديق.

١. جواهر الكلام، ج ٣٨، ص ٢٩٠.

٢. وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٤٢٤، الباب ٣ من أبواب مكان المصلى، الحديث ١.

جواز تملک لقطه کمتر از یک درهم^۱

در درس قبل گذشت که اگر دو روایت مرسله را معتبر بدانیم یا اجماع تعبدی کاشف را محقق بدانیم، ثابت می شود که در لقطه کمتر از یک درهم نیازی به تعریف نیست. در صورت قائل شدن به عدم وجوب تعریف، این بحث پیش می آید که آیا می توان لقطه را تملک کرد یا باید صدقه داده شود. معروف بین اصحاب این است که می توان مالک لقطه شد، اما نکته ای در فتوای آنها وجود دارد که قصد تملک لازم است.^۲

همان طور که گفتیم دو روایت راجع به لقطه کمتر از درهم وجود دارد: مرسله محمد بن ابی حمزه، که طبق آن لقطه کمتر از یک درهم تعریف ندارد. اما نسبت به این که لقطه صدقه داده شود یا به ملکیت یابنده در آید ساکت است. مرسله شیخ صدوق که به صورت قال از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است. ظاهر این روایت نشان می دهد که لقطه کمتر از درهم قهراً به ملکیت یابنده در می آید و نیاز به قصد ندارد. این نکته خلاف آن چیزی است که مشهور به آن فتوا داده اند که قصد تملک لازم است.

تطبیق

ثم انه بناء على عدم وجوب التعريف هل يكون الحكم هو وجوب التصديق او جواز التملك؟ در لقطه کمتر از درهم، اگر قائل به عدم وجوب تعریف شدیم، آیا واجب است این لقطه بدون تعریف صدقه داده شود یا جایز است ملتقط آن را تملک کند؟ المعروف بين الاصحاب جواز قصد التملك،

فتوای معروف بین اصحاب این است که یابنده می تواند قصد تملک بکند. و لكننا اذا لاح ظنا الرواية الثانية نراها ساكتة عن ذلك، و لو لاحظنا الرواية الاولى رأيناها تدل على تحقق الملك القهري بمجرد الاخذ من دون حاجة الى قصده على خلاف ما عليه المشهور بين الاصحاب من الحاجة الى ذلك. اما مرسله محمد بن ابی حمزه فقط بر عدم وجوب تعریف دلالت دارد و نسبت به تصدیق یا تملک ساکت است؛ و اگر به مرسله صدوق بنگریم بر تحقق ملک قهری به مجرد برداشتن لقطه - بدون نیاز به قصد تملک - دلالت دارد؛ دلالتی که بر خلاف فتوای مشهور است که قصد تملک را لازم می دانند.

حکم لقطه کمتر از یک درهم ^۲	معروف بین اصحاب ← جواز قصد تملک مدلول روایات ←	مرسله محمد بن ابی حمزه ← ساکت از حکم تملک یا تصدیق
		مرسله صدوق ← دال بر تملک بدون نیاز به قصد

^۱. در غیر حرم.

^۲. لازمه این سخن آن است که اگر قصد تملک نکند مالک نمی شود.

^۳. در غیر حرم.

حکم لقطه حرم مکی

قبلاً استدلال کردیم که لقطه حرم مکی را می توان برداشت اگر چه مکروه است . اما مشهور در بین اصحاب این است که لقطه حرم باید یک سال اعلام شود و پس از آن باید به صورت صدقه پرداخت گردد ، و یابنده نمی تواند مالک آن گردد. این فتوا نه تنها مشهور است بلکه صاحب جواهر ادعای عدم خلاف در آن کرده است.

تمسک به صحیحہ ابراهیم بن عمر

صحیحہ ابراهیم بن عمر به این حکم دلالت دارد . این صحیحہ لقطه را به دو نوع لقطه حرم و غیر حرم تقسیم نموده است. سابقاً بیان شد که تقسیم، قاطع شرکت است؛ یعنی هر حکم که لقطه حرم داشته باشد، لقطه غیر حرم آن حکم را ندارد و هر حکمی که لقطه غیر حرم دارد لقطه حرم ندارد ؛ مقتضای تفصیل این است که این دو در حکم با هم شریک نیستند . چنانچه لقطه حرم و غیر حرم در حکم با هم شریک بودند تفصیل بین آنها دلیلی نداشت، لذا هر کدام احکام مخصوص به خود دارند. حکم لقطه حرم این است که یک سال تعریف شود و بعد از طرف صاحب آن صدقه داده شود و حکم لقطه غیر حرم این است که بعد از یک سال تعریف به مالکیت یابنده در می آید؛ بنابراین از این روایت فهمیده می شود که بین لقطه حرم و غیر حرم در تملک، شراکت نیست . یعنی لقطه حرم، بعد از یک سال تعریف به ملک یابنده در نمی آید.

لقطه کمتر از درهم در حرم

سؤال دیگری که مطرح می شود این است که آیا حکم لقطه حرم شامل لقطه کمتر از یک درهم نیز می شود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که معروف بین اصحاب این است که لقطه کمتر از یک درهم در حرم نیز احتیاج به تعریف ندارد و یابنده مالک آن می شود.

دلیل این فتوا آن است که صحیحہ ابراهیم بن عمر که بین لقطه حرم و غیر حرم تفصیل داده بود مربوط به لقطه ای است که باید یک سال تعریف شود، چه در حرم و چه در غیر حرم پیدا شده باشد . پس باید به اندازه درهم یا بیشتر باشد؛ بنابراین، روایت ابراهیم بن عمر اطلاق ندارد تا شامل لقطه کمتر از درهم شود. بنابراین، دلیلی بر وجوب تعریف و تصدق در لقطه کمتر از درهم در حرم وجود ندارد . از طرف دیگر امام صادق (ع) در صحیحہ محمد بن ابی حمزه می فرماید: لقطه کمتر از درهم نیاز به تعریف ندارد، که دارای اطلاق است و شامل لقطه حرم و غیر حرم می شود. و معارضی هم ندارد؛ بنابراین به اطلاق آن تمسک شده و بر طبق آن فتوا داده می شود.

تطبیق

۵. و اما ان لقطه الحرم المکی تعرف سنة ثم يتصدق بها ولا يجوز تملكها فهو المشهور بين الاصحاب بل ادعى في الجواهر عدم وجدان الخلاف فيه.^۱

۱. جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۲۹۰.

اینکه لقطه حرم مکئی تا یک سال تعریف و پس از آن صدقه داده می شود و تملکش جایز نیست، بین اصحاب مشهور است، بلکه صاحب جواهر ادعا کرده که مخالفی در آن نیافته است. و تدل علیه صحیحه ابراهیم بن عمر التقدمة فی الرقم ۲، فانها تدل علی عدم جواز التملک لقاعدة «التفصیل قاطع للشركة»

دلیل این حکم، صحیحه ابراهیم بن عمر پیش گفته است، که بنابر قاعده «تفصیل، قاطع شرکت است» بر عدم جواز تملک دلالت دارد. چون لقطه را بر دو قسم لقطه حرم و غیر آن تقسیم و حکم هر کدام را به طور مستقل بیان کرده و برای لقطه حرم پس از تعریف فقط وجوب تصدق را بیان کرده است.

و هل وجوب التعریف و التصدق یعمّ اللقطة التي لا تبلغ الدرهم أيضا؟ المعروف بین الاصحاب عدم ذلك، فاللقطة الاقل من ذلك لا یلزم تعریفها و التصدق بها حتی اذا كانت فی الحرم

آیا وجوب تعریف و تصدق شامل لقطه کمتر از درهم نیز می شود؟

معروف بین اصحاب این است که در کمتر از درهم، تعریف و صدقه دادن لازم نیست، حتی اگر در حرم پیدا شده باشد.

و لعل الوجه فی ذلك ان صحیحة ابراهیم بن عمر لا اطلاق لها للقطعة الاقل من الدراهم حیث انها تتحدث عن اللقطة التي یجب تعریفها سنة سواء كانت فی الحرم أم فی غیره، و لیست هی الا ما كانت درهما فما زاد، و معه ت عود مرسله محمد بن ابی حمزة - الشاملة باطلاقها للقطعة الحرم - بلا معارض فیتمسک باطلاقها.

شاید دلیل آن، عدم اطلاق صحیحه ابراهیم بن عمر نسبت به لقطه کمتر از درهم باشد؛ زیرا در این روایت سخن از لقطه ای است که باید تا یک سال تعریف شود، خواه در حرم پیدا شده باشد یا در غیر حرم؛ لقطه ای که چنین خصوصیّتی دارد باید به اندازه درهم و یا بیشتر از آن باشد، بنابر این مرسله محمد بن ابی حمزه که اطلاقش شامل لقطه حرم نیز شده و بر عدم وجوب تعریف در هر لقیطه کمتر از درهم دلالت دارد. معارضی بر سر راه آن نیست، پس به اطلاقش تمسک می شود.

<p>به اندازه یک درهم و بیشتر، یکسال تعریف و بعد از آن صدقه داده شود. دلیل ← روایت ابراهیم بن عمر</p> <p>اطلاق روایت محمد بن ابی حمزه</p> <p>عدم روایت معارض</p>	<p>لقطه حرم</p> <p>کتر از یک درهم احتیاج به تعریف ندارد و یابنده مالک آن می شود. دلیل</p>
---	---

Sco2: ۱۸:۳۹

پرداخت صدقه از طرف صاحب لقطه

مطلب ششم که مصنف به آن استدلال می کند این است که لقطه باید از طرف مالک آن صدقه داده شود. این حکم بین کلمات اصحاب معروف است، اما روایات موجود بدون قید تصدق از طرف مالک لقطه است. شاید چنین برداشتی ناشی از انصراف روایات به این صورت بوده است.

توضیح انصراف

در صورتی که شخص، لقطه را صدقه می دهد، چون مالک آن نشده و نمی تواند در آن تصرف کند، نمی تواند از طرف خود آن را صدقه بدهد؛ زیرا صدقه دادن از طرف خودش، تصرف در مال غیر است و جائز نمی باشد، به همین دلیل باید از طرف مالک صدقه بدهد.

اگر انصراف پذیرفته نشود مناسب این است که اطلاق روایت مورد قبول قرار گیرد، یعنی مقید به این نباشد که از طرف چه کسی صدقه داده شود. مگر این که صدقه از طرف صاحب لقطه را به جهت موافق احتیاط بودن، اولی بدانیم. یعنی وقتی از طرف صاحبش صدقه دهد یقین پیدا می کند که وظیفه خود را انجام داده و موافق با احتیاط عمل کرده است. اگر در واقع، حکم این بوده که باید از طرف صاحب آن صدقه می داد صدقه دهنده وظیفه خود را انجام داده است و اگر وظیفه واقعی او نبوده نیت مضر نیست.

لقطه‌ای که تعریف آن غیر ممکن است

مطلب هفتم که بر آن استدلال می کنیم حکم لقطه‌ای است که تعریف آن غیر ممکن است. گفتیم حکم مناسب در این مورد پرداخت آن به عنوان صدقه است؛ دلیل این حکم این است که جواز تملک مال غیر و تصرف در آن بدون احراز رضایت او برخلاف قاعده است. قاعده این است که خون و مال مسلمان بدون رضایت او حلال نمی باشد، بنابراین چاره‌ای جز این نیست که بر موردی که دلیل بر جواز تصرف داریم اکتفا کنیم، و آن لقطه‌ای است که بعد از یک سال تعریف، صاحب آن پیدا نشود. اما در مورد لقطه‌ای که قابل تعریف نیست، از آنجا که حکم لقطه درباره آن جاری نمی شود و نمی توان آن را تعریف کرد، باید حکم مجهول المالک که وجوب تصدق است جاری شود. زیرا لقطه یکی از مصادیق مجهول المالک است.

تطبیق

۶. و اما ان التصدق لابد ان يكون عن صاحبها فهو المعروف في كلمات الاصحاب الا ان الروايات خالية منه . و لعل ذلك للانصراف اليه و الا فالمناسب كفاية التصدق المطلق لولا كونه اولی من جهة موافقته للاحتياط

اما این که باید لقطه را به نیت صاحبش صدقه داد در کلمات اصحاب معروف است، ولی روایات فاقد این قید است. شاید بتوان امر امام به صدقه دادن لقطه در روایات را منصرف به این صورت، یعنی به قصد صاحبش، دانست والا با عدم پذیرش انصراف، مناسب این است که فتوا به کفایت مطلق تصدق داده شود، مگر اینکه گفته شود صدقه به نیت صاحبش از باب موافقت با احتیاط اولویت دارد.

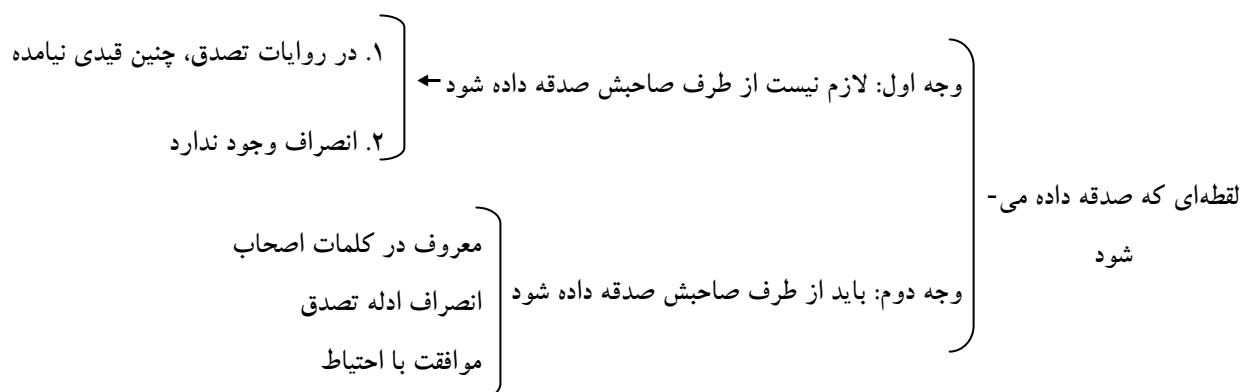
۷. و اما ان المناسب في اللقطة التي لا يمكن تعريفها هو التصدق بها لا غير فباعثان ان جواز تملك مال الغير و التصرف فيه من دون احراز رضاه امر على خلاف قاعدة «لا يحل دم امرئ مسلم و لا ماله الا بطيبة نفس منه»^۱ و لابد من الاقتصار على المورد الذي دل الدليل فيه على جوازه، و هو بعد التعريف سنة،

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۲۴، الباب ۳ من أبواب مکان المصلی، الحديث ۱.

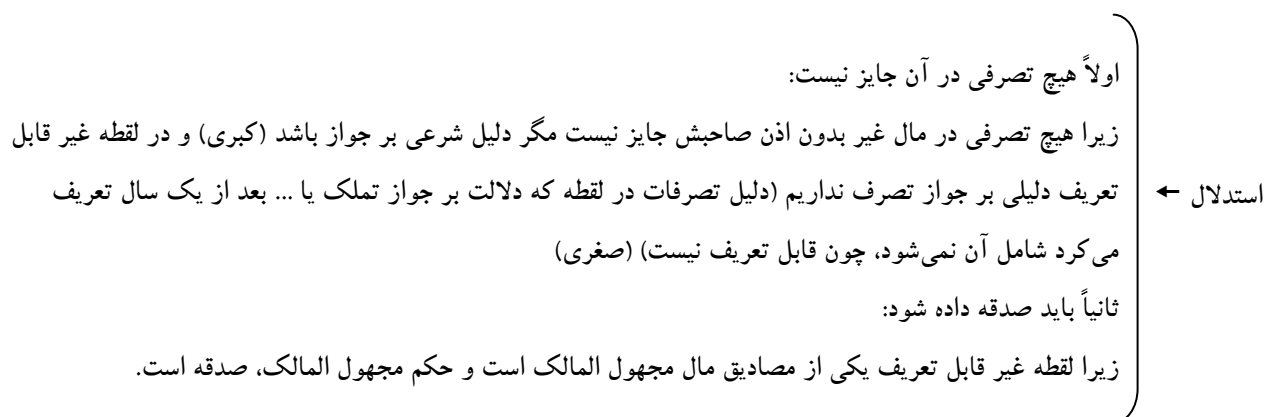
در صدقه‌ای که تعریف کردنش ممکن نیست فتوای مناسب فقط صدقه دادن آن است؛ چون جواز تملک مال غیر و تصرف در آن بدون رضایت صاحبش مطلبی بر خلاف قاعده کلی «عدم حلیت خون و مال مسلمان مگر با رضایت خاطر او» می‌باشد، بنابراین باید به موردی که دلیل، تملک را جائز می‌داند، (لقطه‌ای که یک سال تعریف شده) اکتفا کرد.

و فی غیر ذلک یلزم تطبیق حکم م جهول المالك - بعد تعذر تطبیق حکم اللقطة التي مصداق من مصادیق مجهول المالك - و هو التصدق.

و در غیر این مورد - پس از آن که اجرای حکم لقطه^۱ بر آن ممکن نبود - باید حکم مجهول المالك، یعنی وجوب صدقه دادن را بر آن تطبیق کرد؛ زیرا لقطه یکی از مصادیق مجهول المالك است.



لقطه‌ای که غیر قابل تعریف است ← هیچ تصرفی در آن جایز نیست و باید از طرف صاحب صدقه داده شود.



Scor: ۲۹: ۵۳

^۱ . که عبارت است از وجوب تعریف تا یک سال.

چکیده

۱. معروف بین اصحاب، جواز قصد تملک لقطه کمتر از یک درهم بدون تعریف آن می‌باشد.
۲. در مورد مسأله فوق دو روایت وارد شده که یکی دلالت بر تحقق ملکیت قهری دارد و دیگری ساکت از این قید است.
۳. مشهور بین اصحاب درباره لقطه حرم تعریف به مدت یک سال و صدقه دادن آن و عدم جواز تملک است.
۴. مستند حکم فوق صحیحہ ابراهیم بن عمر است که بنابر قاعده «تفصیل قاطع شرکت است» بر آن دلالت می‌کند.
۵. لقطه کمتر از درهم گرچه در حرم باشد احتیاج به تعریف ندارد و یابنده مالک آن می‌شود.
۶. دلیل حکم فوق مرسله محمد بن ابی حمزه است که معارض ندارد و اطلاق آن شامل لقطه حرم نیز می‌شود.
۷. معروف در کلمات اصحاب صدقه دادن لقطه حرم از طرف صاحب لقطه است. این قید مستند روایی ندارد و شاید دلیل آن انصراف و احتیاط باشد.
۸. لقطه‌ای را که تعریف آن ممکن نباشد باید صدقه داد؛ زیرا تصرف در مال غیر خلاف قاعده «حرمت مال مسلمان بدون رضایت وی» می‌باشد، و دلیل مجوز تملک لقطه تنها شامل لقطه قابل تعریف می‌باشد بنابراین لقطه غیر قابل تعریف یکی از مصادیق مال مجهول المالک خواهد بود و باید صدقه داده شود.